

که مشروطه طلبان را بدادن پول و اسلحه مساعدت نموده بود در پیم و هراسند - سارقین در هنگام شب بخانه مشیر الدوله حمله آوردند و عامه را عقیده اینست که در باربان برای قتل آن وزیر که معروفست شاه کمال نفرت را از وی دارد محرك مرتضی بن شناخته می شوند .

روز ۱۰ ایتمه بانظام السلطنه رئیس الوزرا ملاقات نموده مذاکرات طولانی بمیان آمد و بی از توضیح دادن بانجناب که نجات اخیر دولتین روس وانگیس هیچگونه ضرری برای دولت ایران نخواهد داشت بلکه آنرا از سدمات و فشار رقابت دولتین مستخلص نمود آنگاه از اوضاع جاریه مذاکره پرداختم و از آنجناب سؤال نمودم که آیا مینوانند طریقه بمن ارائه کنند تبدانواسطه بتوانم بی اعتمادی مترا از شاه مرتفع سازم

نظام السلطنه جواب داد که بگانه وسیله منحصر است بر اینکه مصالح و خیریت شاه را معروض داشته و اجرای آنرا جداً از آن اعلیحضرت بخواهید گفتم باید دید چه میتوان کرد - وبعد در خصوص قتل فریدون مذاکره نمودم - رئیس الوزرا وعده دادند آنچه بتوانند در مجازات قاتلین اقدام خواهند نمود

وزیر مختار روسرا روز دیگر نتوانسم ملاقات بسایم ولی شرحی در جواب مشروحه که بایشان فرستاده و قرار ملاقات را بروز یکشنبه داده بودم در اواخر روز بمن مرقوم داشته تا مرا مطلع سازد از اینکه جناب مشار الیه صبح فردا بقصد اینکه شاه را ترغیب باتخاذ روابط حسنه بامجلس نماید شرفیاب حضور آن

اعلیحضرت خواهد گردید — من ایشالرا از مذاکرات خودم با نظام السلطنه مطلع ساخته و اظهار داشتم که قبل از اقدام بآنچه رئیس الوزرا اشاره نموده مایلیم در آن باب مشورتی بنمایم و نیز گفتم چون شما تقریبا از این پیش اقدامی نموده اید بهتر آنست که من نیز آنرا با اظهارات مؤکدانه تقویتی بنمایم و مقصودم متذکر ساختن آن اعلیحضرت است اینکه قوه هیجان مشروطه طلبان بقدری شدید است که نمیتوانند از عهده مقاومت آن برآیند و هرگاه پافشاری فرمایند بسخت ترین مخاطره دوچار خواهند شد و اگر از روی واقعیت مایل باشند که مانند پادشاه مشروطه طلبی رفتار کنند بابتی اداره کردن امور مملکت را بعهده وزرای مسؤل خوبش محول گردانند — باری مسیو دوهارتویک با آنچه من بیان کردم اظهار موافقت تامه نمود بعد از ظهر همانروز بسلاطات مشیر الدوله رفتم که ترتیبات شرفیاب شدن حضور شاه را بطور خلوت فراهم نمایم روز دیگر مشروحه از وی رسید مشعر بر اینکه صبح روز سوم یعنی ۱۴ ژانویه اعلیحضرت در ساعت ۱۱ صرا بحضور خوبش خواهند پذیرفت

در اینمقال از محل دیگر بشاه اعلان بسیار سختی گردید از اینقرار که روز گذشته رئیس طایفه قاجاریه که تاکنون در مسائل پلتیکی ایران مداخلتی ننموده و مطلقا به بیطرفی معروف و در نزد عامه موقع محترمیرا حائزاست حضورشاه درمیت شعاع السلطنه برادران اعلیحضرت شرفیاب شده بود — بنا بر تفصیل و شرح اینملاقات که من بدست آورده و گمان میکنم صحیح باشد عند الملک که در

ریاست طایفه قاجاریه اصالة اختیار حکم فرمایی را دارد با نهایت آزادی گفتگو نموده و مروض داشت ~~که~~ وی شاه را مسئول اوضاع اسف آمیز مملکت میداند چنانچه سایر ایرانیان دانسته اند و نظر باینکه رئیس طایفه منتسبین بسطانت است محض آن شرفیاب حضور گردیده که بان اعلیحضرت اطلاع بدهد اگر روش خود را اصلاح نفرمایند هرآینه طایفه قاجاریه خویشتن بزل وی حکم داده و بجای او ولیعهد را پادشاهی اختیار و سلطنتش را اعلام خواهند نمود. - شاه در جواب وعده فرمودند که هیئتیرا از مجلس بحضور طلبیده ایشانرا از صدق بیات خویش دلگرم و مطمئن خواهند گردانید و اعلیحضرت بهیبتی که از طرف مجلس شرفیاب حضور شدند قول صریح در رعایت و منظور داشتن قسمهاییکه بموافق مشروطیت یاد کرده بودند داده و هیئت مزبور با کمال خوشنودی و رضایت مراجعت نمودند و ضمن شاه در عوض از آن هیئت قول گرفتند که در افزودن بودجه مخارج سلطنتی یک ملاحظه بنسود. روز بعد که شرفیاب حضور شاه گردیدم بن اعلیحضرت عرض نمودم که بس از اطمینان بخشیدن بوزیر مخبر روس و بمن البته بقین خواهم نمود که نیاتشان از طریق صمیمیت خواهد بود. - و هم مروض داشتم که گمان میکنم در اطراف آن اعلیحضرت اشخاصی گرد آمده اند که همی در مخالفت مشروطیت و تجدد بتصور اینکه شاه نیز مایل است ساعی میباشند - تاریخ می نماید هرگز امکان نداشته که سیل اراده یکملتی را بتوان جلوگیری و سد نمود. - و ایستادگی در مقابل آن موجب خسران و بد بختی

بوده است - مردم همگی بی اعتماد و حتی کینه ور شده اند و اگر آن اعلیحضرت برفع سوء ظن آنان موفق نگردد مقامش بخاطر عظیم دچار خواهد گردید - بهتر وسیله موفقیت همانا مبرا و آزاد ساختن خویش است از اشتها ره نمائی یافتن بواسطه آنگونه اشخاصی که انارت بافت و نیز احتراز نمودن از مداخلات مستقیمه در کار دولت در صورتیکه اداره امور حکومترا واگذار بوردای مسؤل فرمایند - شاه در جواب فرمودند که هرگز تراعی باحکومت مشروطه ندارم مگر فقط بامجلس کنونی که انصلا مرتکب اعمال غیر قانونی میشود - برخی اشخاص در آن حضور دارند که بکلی اثرات سوء می بخشند و اگر مجلس از ایشان رهائی یابد آتوت اعتماد اعاده و استقرار خواهد ناف - اینکه میگویند من با وزرا در مقام ضدیت میباشم بکلی کذب محض است - و از کابینه حاضره بهیچوجه راضی نیستم و از اعضای آن فقط بیکنفر نظام السلطنه اطمینان و اعتماد دارم ولی ابدامانع کار آنها نبوده ام - در جواب عرض کردم اگر در پارلمنت و کلای ناشایسته وجود داشته باشد این عیبرا بایستی خود آن علاج نماید ولی اگر بخواهند آنها را بجبر و قهر خراج سازند خطر شدیدیرا تعقیب کرده اند - و چون چیزی از آن اعلیحضرت پوشیده نتوانم داشت لهذا عقیده من وسابر نمایندگان دول بر این است ~~که~~ موقع را حالی از احتیاط نباید پنداشت .

هرگاه بواسطه نمایش اقداماتی ملت را مطمئن سازند که بطور صمیمیت با آنها در کار موافقت خواهند فرمود همگی بفوریت

اوامر شاهانه را استقبالی خواهند کرده - ولی اگر بر رفتار حالیه خویش اصرار و پافشاری نمایند البته نتایج آن جز اضطراب و محال خود نتیجه نخواهد بخشید .

نمی‌توانم بگویم که سخنان من تاثیر بسیار در شاه بخشید چه از وضع و حالت ایشان نتوانستم اینمطلب را کشف نمایم لیکن از آن بعد اطلاع یافتیم که نصیحت و اخطار عضدالملک و نیز وزیر مختار روس موجب آن گردید که سفارت دولت فخریه از اقدام پنهانی احتراز کرده باشد

پیر حال شاه بگرفتاری صنیع حضرت و مقتدر نظام سرکردگان حامیان بی باک وی که در بحر آن ماه دسامبر گرد آمده بودند و همچنین سفید ساختن نوکرهای مجلل السلطان که میگویند در قتل فریدون صراف پارسی شرکت داشته اند اجازت داد ولی هنوز آشکارا از مجلل السلطان که اولین محرك فتنه شناخته شده و باعث گردیده بود ظفر السلطنه را که در گرفتاری مرتکبین اهتمام داشت مورد تیر و ی واقع شود حمایت میکند .

از آن بعد حواس مردم مخصوصا بمحاصره و استتطاق صنیع حضرت و مقتدر نظام و به تحقیق قتل فریدون زردشتی که در وزارت عدلیه تشکیل یافت متوجه گردید - و مذکور است که از قرآن بوضوح پیوسته تدابیری برای بقتل آوردن هشت یاده فر از وکلای معروف مانند قلی زاده - مستشار الدوله - احتشام السلطنه و آقا سید محمد ( طباطبائی ) نموده شد که مجلل السلطان دخیل و عامل عمده آنست .

وزرا بایکدیگر اتحاد ندارند و نظام السلطنه طرف بی‌اعتمادی آنها واقع شده و بملاوه مدلل شده است که شاه را اجازه داده بود از خزانه پول در یافت نماید و نیز مردم از وی سوء ظن حاصل کرده اند .

هم در این اوقات دابین خود مجلس نفاق رخ داد - و روز ۲۶ ماه جاری گفتگوی شدیدی بمیان آمد که بیس از یکساعت بطول انجامید - و کلا بکدیگر را متهم ساختند باینکه اموال مردم را صرف مقصد شخصی نموده همی در جلب منافع خود میگردارند .

ثابت شد که کمسیون مالیه مجلس در دادن یکتیاد و مستمری بدون هیچ عذر موجهی غمض عین نموده است - و نیز رئیس مجلس مورد سوء ظن واقع گردید و متهم شد باین که باطرف داران شاه نوام گردیده که نقشه برای خارج ساختن تقی زاده از مجلس طرح و حامیانش را متفرق نمایند - و احتشام السلطنه ( رئیس مجلس ) به آقا سید عبدالله مجتهد بزرگ بمنازعه برخوایسته او را بکسرتن رضوه متهم ساخت - در حقیقت مجلس بسه پارتی منقسم شده است بکمی پارتی رئیس که از همه بیشتر و بعداً شصت و پنج نفر میباشد - دوم پارتی آسید عبدالله مجتهد که تقریباً کمتر است - و سوم پارتی تقی زاده که ۲۵ نفرند .

بهر حال اوضاع مجلس بی نهایت مشوش و در هم است و ممکن نیست گفته شود که در چه وقت از این وضع مستخلص خواهد شد - ولی بنظر چنین می آید که استعفای رئیس ناچار صورت وقوع خواهد یافت . ( اعضا ) چارلس - م - مارلینگ

مکتوب مستر مارلینگ برادوارد گری - ( وصول ۱۷ فوریه )

آقا از طهران بتاريخ ۳۰ ژانویه ۱۹۰۸

با کمال افتخار خلاصه معمولی حوادث ماه گذشته ایران را

با خلاصه مذاکرات مجلس لفا ارسال میدارم .

خوشبختانه اوضاع شیراز آرام تر گردید و طی هفته گذشته

در تبریز و یزد منتهای بی نظمی موجود بود - مبرسم که دولت

ایران بکلی از عهده حفظ نظم بر نیامده و عاجز باشد و در جواب

اظهاراتی که مجبوراً راجع باوضاع یزد و حادثه چار بار و لزوم

حفظ و حراست از تلگراف خانه ما در کاشان مکرر نموده ام هیچ

چیز موفق نتوانسته ام بشوم مگر فقط باطمینانهائی که گفته می شد

« اقدامات لازمه بعمل خواهد آمد » - راجع به یزد ( اقدامات لازمه )

چنین مشهود آمد که بذریعه تلگراف از مجتهد عمده آن شهر

خواهش نمودند که نفوذ خود را در نسکین و رفع انقلاب

بکار برد .

واقعه قابل ملاحظه که در مجلس بوجود پیوست همانا تغییر احساسات

اعضای آن است نسبت بر رئیس مجلس که فقط یکماه قبل طرف اعتماد

و توجه عامه مردم بود و اکنون بدون هیچ دلیل مبرهن و جهت

ظاهری مورد سوء ظن خیلی شدیدی واقع شده است .

( امضا ) چارلس - م - مارلینگ

ملفوف نمره ۹۹

قسمتی از خلاصه حوادث و وقایعی که در طرف بکماه  
( یعنی از ابتدا ) تا سیام ژانویه ۱۹۰۸ بوقوع پیوسته

طهران

مجلس ملی - مذاکرات مجلس ملی در طرف چهار هفتاد  
گذشته و آن قدری که در جلسات علنی گفتگو کرده اند جمالی بی  
نظم بر از همیشه و بدون هیچ اراده و مقصودی بود - و کلاهی  
نمده کمال افسردگی و دلتنگی را بفره اتفاقات دو روز قبل مسیود  
مباحث که اتفاق داخلی بمنتهی درجه شدت دارد .

در اسلالت متحد المفاذی که راجع : طبندان شاه در هوقفت  
مشروطیث مورچه سیام دسامبر بر رئیس مجلس فرسندده - در روز  
چهاردهم ژانویه قرابت کردند .

هفتم ژانویه ندرز داهر آلمان مکتوبی ظبر آن به رئیس  
بوشنه وسفیر کبیر عثمانی فراسله بهمان مضمون بنر ارسال دادند و  
قرابت کردند .

روز بیست و سوم هیئتی از اعضای مجلس سرفردت حضور  
شاه کردند و آن اعلیحضرت اطمنان و تعهدانیکه سابق فرموده بودند  
مکرر داشتند .

یوم ۲۶ ژانویه رئیس مجلس اظهار داشت که دولت آلمان  
ارانه نموده است مدرسه حالیه آلمانی را - ( که در طهران است ) -



توسعه داده و بجای ۱۲۰ نفر محصلینیکه از این پیش تا کنون مشغول تحصیل میباشند ۷۰۰ نفر پذیرد و خواهش نمود اعانه که دولت ایران لازم است برای این مقصود همراهی نماید در مجلس تصویب شود - و برا متذکر ساختند باینکه اینمطلب باستی از مجرای رسمی مخصوصه معنی وزارت امور خارجه و نیز وزارت علوم بشنهد گردد در ۲۸ ژانویه رئیس مجلس علنا آقا سید عبداللّه همچنین نزرگرا حنی و در حقیقت مرجع امید - و بی تا کانه فساد اعمال مجتهد مزبور و حتی برخی از اعضاء مجلس را بیان نموده و نیز گفت اگر چه در حال تیرک رسب مجلس و رفتن بلندن با سب وزیر معضرتی بودم ولی چون آقا سید عبداللّه سعی دارد مرا محبوس ناستغفا ساند لهذا اکنون مصمم شده ام که در مقام دست خود باقی بمانم - مردم این اعلان منازعه آشکارای رئیس را علامت حبس وی بشروطین تعبیر نمودند - و با آنکه مدعی بود سب بی ادبانی به آقا سید عبداللّه میدادند ولی اکنون مردم را عقیده اینست که موقع مقتضی نیست بمجتهد نزرگرا که نا همگام خود معنی آقا سید محمد مجتهد از ابتدا با کمال صمیمیت در هیجانهای مشروطین موافقت داشته بطور نفاق رفتار شود - لهذا چنین تصور میکنند که رئیس مجلس بنا بر منافع شاه رفتار میکنند .

در نهم ژانویه بعضی از اشرار را صکه در اواسط دسامبر موجب انقلاب و فتنه گردیده بودند در میدان نوپخاه تازمانه زدند و در ۱۳ ژانویه صنیع حضرت سر کرده اشرار بتوسط پلیس دستگیر و محبوس گردید

۱۲ ژانویه وزیر مختار روس حضور شاه شرفیاب شد و آن اعلیحضرت را نصیحت نمود که از هر گونه سعی در تخریب اساس مشروطیت که بدان واسطه بمخاطره شدید گرفتار خواهند شد جدا احتراز فرماید — و در ۱۳ همان ماه سارژدافر دولت فحیمه جداگانه شرفیاب گردیده مطالبی قریب بهمان مضامین بشاه معروض داشت — اعلیحضرت جواب فرمودند چنانچه سابقا مکرر گفته‌ام بهیچوجه در مدد برانداختن مشروطیت نبوده و خود را در ایران بکانه مشروطه طلب حقیقی میدانم در صورتیکه اعضای مجلس ملی و انجمنها عموماً انقلاب طلب و شورش‌انگیزند

مستر مارلینک خیلی اهمیت میداد باینکه جذب در جلوگیری تموج احساسات عامه و پافشاری در اعاده اساس حکومت استبداد سابق اعلیحضرترا دوچار مخاطره شدید خواهد نمود — روز گذشته عضد المملک و شعاع السلطنه همان مطالب را حضور شاه معروض داشتند و اعلیحضرت هبثتی از اعضای محاسرا بسمت سابتدسکی بحضور طلبید و مجددا در نزد ایشان بقرآن قسم یاد نمود که قانون اساسی را رعایت و حفظ نماید شاه برادر خود سالار الدوله را که نایبستان گذشته بمخالفت قیام نموده و بدان واسطه در یکی از باعهای سلطنتی خارج طهران محبوس بود بخشید

( امضا ) جی - بی - چرجیل

مشی شرفی

تبریز

در ۱۷ ژانویه میانه انقلابیون و بعضی از اشرار جنک در

پیوست و تا دو روز بطول انجامید بیست نفر مقتول و مجروح گردید پس از مدتی جنگ دو باره شروع شد و تا اواخر ماه امتداد یافت تا وقتیکه سوار و پیاده برای حفظ نظم در شهر کماشند — این اقدام موجب سکوت و آرامی شد — اغتشاشات فوق‌الذکر را مربوط بتدبیر شاه میدانند که در وقت حمله پلنیکی وی در طهران فتنه بریزهم بروز نمود.

### رشت

هیجانی که بواسطه اغتشاشات طهران برور نموده بود مرتفع گردید و اکنون ابلت کیلان دلاهرأ ساک و آرام است

### تربت حیدری

دزد ها بریاست تیمور خان گماشته حاکم طبس راه نینزد را بکلی مسدود ساخته اند — و در راه دساهر قافله که حمل مال لتجاره برای عامل زیکر مینمود بسرقت رف

### اصفهان

مخالفت وضبت جدی آقبان در خصوص تجارت باخارجه طاهرأ موقوف گردید و دیگر تجار بومی مورد نهدید واقع نشده اند — تجار انگلیس مجدداً توانستند بدون ترس از مزاحمت مال التجاره باطراف روانه دارند .

آقا نجفی از بیم آنکه شاید مجلس محض اظهار ممنونیت

اجازه بطل السلطان بدهد که باصفهان معاودت کند لهذا مستأوی  
 بانفاق سایر ملاحا بوی ارسال داشته اظهار میل بمراجعتش نمودند ولی  
 آقا نورالله مخالف این منظور بود .  
 بحران اخیر طهران باعث بروز هیجان در اصفهان گردیده  
 بازارها بسته شد و داوطلبان شروع بمشق نظامی نموده چنانچه هنوز  
 درانکار مداومت دارند .

### کاشان

روز ۲۸ زانویه جمعیت مسلح کنیری از حامیان محمد آقا  
 به پسدیدات محب تلگرافچی مأمور تلگراف خانه انگلیس را مجبور  
 نمودند که سیم را بپا واگذار کند چه ایشان میخواستند باطهران  
 مخابره نمایند - بالاخره تلگرافچی مزبور اختیار یافت که ایشان را  
 اجاره دهد که هرروزی دوساعت با آن بمخابره پردازد - اطهرانی  
 در اینخصوص بدولت ابران سوده شد .

### یزد

نجری که برادر خود را چند ماه قبل بقتل رسانیده بود  
 روز بیست و پنجم زانویه حکومت او را از محلی که پناهنده شده بود  
 بیرون آورده مقتول ساخت و این عمل را داروغه شهر که در قلعه  
 حکومتی محض داشت مجری نمود - جمعیت مسلحیکه بقتل داروغه  
 و عزل حاکم بافشاری داشتند شهر را بخوف و هراس افکندند -  
 و بمحض اینکه داروغه را تسلیم ایشان داشتند فوراً هدف گلوله

ساخته هلاکش نمودند - پس از آن بحاکم اطلاع دادند که هرگاه  
تهدید نماید از این و بعد برضد آنان حرکت و اقدامی نخواهد کرد  
میتواند باقی و برقرار باشد - لیکن وی استغفا داده و از شهر خارج  
گردید و میگفت **احکرم فقط دوست نفر** سوار برای انتظام آنجا  
فرستاده نشود مراجعت نخواهد نمود - شهر در قبضه اختیار دو نفر  
که بشخصه خود را رئیس مستحفظین قرار داده بودند درآمد .

## کرمان

اجار اغتشاش طهران در ماه دسامبر باعث شد که بازارها  
تا دوروز بسته گردید - و همینکه مجلس شورای ملی تلگراف نمود  
که مردم بایستی خود را آماده و مهیا دارند فوراً ناظم و حاجی باب  
که در واقع دو نفر دیکتاتور هستند قورحانه دولتی را بتصرف  
در آورده و عموماً مشغول تدارک نظامی شدند

## همدان

تجار عثمانی که با بغداد تجارت دارند بواسطه ناامنی راه  
باعباس خان افشار فرار دادند مبلغی پول بوی داده که مالالتجاره  
آنها را بسلامت عبور دهد - پنج نفر پسرانش با جمعی از سواران  
مسلح در راهها و دهات بدزدی مشغولند - و نیز سایر دستجات دزدان  
بهر طرف رو آوردند

### سیرار

اوضاع خوبی در حالت آرامی است و با رابوری که  
 پیاده شد مانس فرقی محض صلح و آشتی برقرار کردند  
 و از آنوقت دیگر اعشاش ظهور و نوس  
 همچگونه سرف باره در راه بوشهر اتفاق افتاد مگر ۲۴  
 روزه که سرف را در حدودی دالکی سرف بردید و نیز مسر  
 کراهم را قرب میدهد که ر آراه یکی بخارن معطوع شده است  
 - و در ۲۶ روزه رابوری واصل کردند مگر اینکه بر دال  
 رار جان اعشاش سحج روی داده و راه اصهان بی نهایت مانس  
 س و حیرت مسخطس را در بردگی ده بند و جان کرکی  
 سرف و وفل اشغال دارند و از جمله کاروانکه مال البخاره یکی  
 ر کمدهای انگلیس ر حمل مسود گرفتار سرف سان کردند  
 و بر مال البخاره نیک بر دیگر از کمدهای انگلیس بر نیک دحمه  
 ( که حیرت ) در دیده شد .

### خلیج فارس

#### بوشهر

احضار اعشاس طهران همچان سحجی در بوشهر بولید نمودند و گرافایی  
 از محسن ملی و یارهای عمده طهران و نیز از رش مبنی بر اسمداد  
 ر اهالی برای حمایت محض ملی معانیه شد در جواب انها اظهار  
 مساعدت نمودند .

## بندر عباس

شهر و اطراف آن بی نهایت معشوش و به کسی اعتدال صحرایی  
 موسوم به لایسک امر شد بطرف بندر عباس وانه کرد و حدود  
 هفتاد اول دسامبر در آنجا توقف نماید - بواسطه اقدامات مجدانه  
 فرمانروای بندر خلیج فارس که کمال لشکر را از او داریم اوضاع  
 بهودی حاصل نمود ولی حمل مال تجارت هبورت بحاجات هوای

## جابه

در سب و بحجم را بویه مامور مقام خلیج فارس بلنگراف نمود  
 که راجه بود وی را بورد داده شد تا اینکه از طرف سردار سعد  
 حن اکبری (سجده) فرستاده آمد که در بندر کمر را با تصرف در حدود  
 از چهار کسی و خوبی را که کسی بکمره برود از بندر هبورت معتقد  
 نمودند که تا سال بعد خسته بود - بنده میدان کور مدعی بود که  
 دولت ایران برای بدین خدمت مامور ساحه - و وقتیکه بود که  
 داس بهستانه مدعی است تجارت - بسور داد که در صورت حاره  
 بهد و وجه مرور را بنظم دشته و بی ر آن روست بهد -  
 صمد از جاسده سردار سعد خواهش نمود که استعجاب را به ۸۰۰۰۰  
 دیگر مهلت دهد و بر او را مسوی ساحت که اگر اصلی شود  
 بدوات انگلیس شکایت خواهد نمود - هم در این حال به کسی اعتدال صحرایی

موسوم به « پرسپیوس » حکم شد بطرف چاه بهار حرکت کند ولی همیشه بدانجا وارد گردید مطلع شد که بلوچه‌ها عایدات گمرکات را جبرادریافت داشته و کوچ نموده اند - در همان وقت رئیس گوانتر نیز بهمین قسم اعمال ارتکاب نمود .

( امضا ) سی - پی - مازور استکس

نمره ۱۰۰

تلگراف سرادوارد گری بمستر مارلینک

از وزارت امور خارجه مورخه ۱۷ فوریه ۱۹۰۸

در خصوص منفعت قرض : راجع بتلگراف شما مورخه

۲۸ ماه گذشته .

اگر باز تاخیری در ادای منفعت بظهور رسد و در چهارم

آوریل پرداخته نشود ربح یکساله را از قرار صد پنج بر میلی که

ذکر مینمائید ( وصحیح است ) باند افزود .

مراسله که راجع بقسط استهلاك پیشنهاد نموده اند بوربر

امور خارجه ارسال دارید تصویب مینمایم

نمره ۱۰۱

مکتوب مستر مارلینک سرادوارد گری ( وصول ۲۶ فوریه )

از طهران بتاريخ ۱۴ فوریه ۱۹۰۸ آقا

برای وصول منفعت قرضه ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ که بموتوق

انجامیده موافق تعلیماتیکه در تلگراف مورخه ۱۹ دسامبر فرموده بودید

آنچه تواستم کوشش کردم و چون در ۲۷ ژانویه مشیرالدوله اطلاع

دادند که بدون تاخیر ادا خواهد شد امید وار گردیدم صکه نتایج



مطلوبه حاصل آمده است - روز بعد مسیو مرنارد رئیس گمرکات اطلاع داد که در این خصوص حواله بوی نشده و قرینه بدست نیاورده است تا بدان واسطه بتواند پیش بینی کند که در اینموقع احتمال باو حواله خواهند نمود - باین حالات چون لازم است فشار سخت تری داده شود بدین لحاظ جسارت ورزیده در تلگراف خود مورخه ۲۸ ژانویه معروض داشتم که اجازه فرمایند بدولت ایران اطلاع بدهم نظر باینکه مدتی است جواب شروط دولت فحیمه را راجع بقبول تعویق اقساط استهلاك نداده اند لهذا سکوت ایشان موجب رضا تصور شده است

شکی نیست در اینکه اگر اختیار دولت ایران در اسنقرض از خارجه اکنون پیمحدود شود هر آینه از هر گونه فشار برای مطالبه بیشتر متاثر خواهد کردید ولهذا امید وارم که مکتوبی مبنی بر مفاد فوق بدولت ایران ارسال گردد تا بدان واسطه قراری در اینمستله بدهند - چنین بنظر میاید که این تاخیر های حاتمیه ناپذیر نتیجه ارجاع عموم مطالب است بکمیونهای مجلس که بدانواسطه نیز جواب باد داشت من داده نشده و لازم دانسته اند که قبول شروط ما را بسکوت بگذرانند

روز ۲۶ ماه جاری وزیر امور خارجه بمن اطلاع داد که وجه پرداخته خواهد شد ولی چون از بانک سؤال کردید معلوم شد جناب ایشان اشتباه نموده اند .

عزل مسیو مرنارد از مقام ریاست گمرکات مراقبت عیادت آن اداره را محول بقایم مقام وزیر تجارت ~~که~~ بفساد و دزدی

معروف است و اگذار کردند و احتمال وجوه آنکه برای نایب قرض  
 بدولت اعلیحضرتی معین شده یکی بمصرف ارفاق رساند - بنابراین  
 روز ۸ که همشیرالدوله در موضوع عزل مسو مرئوس گفتگو بمشردم  
 به آن جناب اصرار ~~کن~~ کردم که نهایت مقام اطلاع بدهند این  
 وجوهات را ساسی مصرف نمایند - آن جناب در جواب  
 مرا بفرمودند که ~~بفرستند~~ حواله برداشت درجه مدنی  
 نسبت صادر گردیده - و روز دیگر مسو مرئوس اطلاع داد  
 که حواله حاضر شده و ای محتاج معنای وزیر مسند و معاهده های  
 این بود که پس از مسو و چهار ساعت دیگر برداشت شد و  
 وزیر مسو (رئیس دایره ساسی) که در آن وقت ساکن  
 من آمد - که من متکرم استم شده بفرموده است - بعد از  
 و آخر روز نهم مسو را اینو اطلاع داد که به حواله داده  
 - و من از طرف نه اخذ بدارم که مرآت بر طبق نهاد شود  
 که ~~بکار~~ و مروس دایره بدولت برای ارسال دارم ادا تا دایره  
 مسو ابوابه و روز امروز خارج که سواد آن را به ~~بفرستند~~ بفرستند  
 بفرستند و من خود شخص اسان دادم - در همان وقت آن جناب  
 مجدداً اطلاع دایره که حواله ارسال این وجه داده شده و حواله  
 من که هم من مسائله صورت و نوع نهاد جناب اسان بحسب احتیاج  
 اسان که دید - ولی حواله من اطمینان داد که ممکن است حواله  
 آن حاضر و مهتد شده ولی محتاج معنای وزیر عالی باشد - و  
 بر بحال توسط اضطراب و بوحش بسلام السطه از حلقه ناک  
 بودن مرض گاه نرزد حوش و هسجس بطلان کارها بملاحظه

مراسم مذهبی امام عانو را مانع از انجام آن بوده ولی از طرف دیگر احتمال دارد سبب عمده اش دسایس برضند مسیو مر نرد بوده باشد :

( امضا ) چارلس - م - مارلینگ

ملفوف نمرة ۱۰۱

بادداشت مستر مارلینگ بمشیر الدوله

( بدون تاریخ )

خدمت جناب اجل عالی

با کمال افتخار خاطر آن جناب را متذکر میسازم که با وجود اطمینان و قولهایی که مکرر بمن اظهار فرموده اند تاکنون سه منعم ترضه ۱۹۰۳ و ۴ دولت انگلیس را که موعد آن چهارم آوریل بوده برداشته اند و به جواب شروط مندرجه در رد داس مورخه ۱۳ دسامبر ۱۹۰۷ سیر اسپر بلک راس را که دولت قخبمه انگلیس در قبول حواشی دولت ایران راجع تمویق سه ساله افساد استیلاک این قرضه قرار داده است رسیده - در این صورت من دیگر مطالبه نخواهم نمود و آن جناب را بر حسب دستور و تعلیمات دولت مطبوعه خودم اطلاع میدهم که اگر ربح مذکور را بفوریت بردازد و قبول شروطی ~~که~~ در فوق اشارت یافت رسماً سفارت گفته نشود دولت اعلیحضرتی بجای ربح مطالبه تمام مبلغ قسط سالیانه را خواهد نمود که فوراً ابصال دارند .

( امضا ) چارلس - م - مارلینگ

نمره ۱۰۳

تلگراف سرادوارد گری بمستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه ۲۶ فوریه ۱۹۰۸

راجع بتلگراف شما مورخه ۱۰ ماه جاری در حقوق مستحفظین

مامور شیراز .

با در اوضاع شیراز بهبودی حاصل نکرده باید

مستحفظین باعده زباد تری تا مدت شش ماه در آنجا باقی بماند .

نمره ۱۰۳

مکتوب مستر مارلینگ سرادوارد گری ( وصو ۱۶ مارس )

آقا از طهران بتاريخ ۲۶ فوریه ۱۹۰۸

بکن از محترمین پارسها که برادرش پرویز نام سال گذشته

در شیراز مقتول گردید در این تازگی نزد من آمده اظهار داشت

که زردشتیان در هر جای ایران که هستند کمال توحش را دارند

مشارالیه بقبل رسیدن فریدون را در طهران وفرستاده شدن مکتوبات

تهدید آمیز بیکی از زردشتیان عمده شیراز دلیل عدم امنیت جان

ایشان اعلام می نمود و سؤال کرد آبا سفارت دولت فحیمه انگلیس

با این که دقت در آسایش و راحت انجمناعت دارد اقدامی بظهور

خواهد رسانید .

بس از این مختصر مذاکره قبول کردم که مکتوبی

در این موضوع به وزیر امور خارجه ارسال داشته شفاها از ایشان

خواهش نمودم که مطالب آنرا بمجلس انقاد دارند .

چند روز بود که مشیرالدوله را ملاقات نمودم جناب

ایشان بمن اطلاع دادند که این اقدام را انجام داده و نیز باد داشت  
منرا که سواد آن لفا ارسال میشود حضور شاه تقدیم کرده‌اند زیرا  
عرضه داشتن به آن مقام را بیشتر منتج نتیجه میدانستند تا بمجلس  
در همانوقت مستر گراهم راپورت داد که اعیان و اولیای  
امور شیراز سعی دارند با یارسیان بدوسنی و مراقبت رفتار نمایند و  
او نیز تاجر را که کاغذ بجات نهدید آمیز بوی ارسال شده بود و به  
قونسولخانه ملجی گردید پناهنش داد

( امضا ) چارلس - م - مارلینگ

ملفوف نمره ۱۰۳

مکتوب مستر مارلینگ بمشیر الدوله

طهران ۵ فوریه ۱۹۰۸

خدمت حضرت اجل عالی . . .

چندی گذشته در حصوس وضع زردشتیان کلیه ابران  
خصوصاً شیراز و نزد مطالبی بسیار ناگوار شنیده ام و جنابعالی اطلاع  
دارید که بتازگی بکنفر از اشخاص عمده آنها را در طهران  
بقتل آورده اند .

دولت فخیمه انگلیس در صورتیکه لازم بتذکار آنجناب می  
دانم چون بپوسته در آسایش و راحت زردشتیان همی دقت دارد  
نمی‌تواند امن اوضاع را بدون تأثر بنکرد - لهذا ار جناب شما متعنی  
هستم که موجبات آسایش وامنیت این مردمان سلیم بی آزار را بهر  
گونه اقدامی که لازم باشد بااختصاصه فراهم سازند .  
آنچه متوالیا راپورت میرسد مبنی است بر اینکه اگر اقدامات

جدی برای امنیت ایشان به آنطوری که اطمینان حاصل نمایند بعمل نیاید همسگی از این مملکت مهاجرت خواهند نمود ... دولت شاهنشاهی ایران باید دانسته باشد که مهاجرت یک چنین جماعتی مانند یارسین که همی در تجارت سعی هستند چه ضرر کلی بایران وارد خواهد آورد - یقین دارم آن دولت بهر نحو که ممکن باشد اقدام خواهد نمود که ایشانرا دوباره مطمئن سازد باینکه اولیای دولت شاهنشاهی مایل و قادرند آنانرا از حملات و آزار جهال بامتعصبین محفوظ بدارند - برای حصول این معنی گمان میکنم هیچ اقدامی مؤثرتر از مجازات اشخاصیکه در قتل فریدون اهتمام نموده‌اند باشد و بدلائل و جهانی اعتقاد من آنست که دولت شاهنشاهی آنها را بخوبی بشناسد .

( امضا ) چارلس - م - مارلینگ

نمره ۱۰۴

مکتوب مستر مارلینگ بسراودادگری - ( وصول ۱۶ مارس )

آقا از طهران بتاريخ ۲۶ فوریه ۱۹۰۸

بنا بر تلگراف مورخه ۱۷ ماد جاری که مخبره فرمودید

باد داشتی را که بدولت ایران فرستاده ام سوادش را با کمال افتخار

لغا ارسال میدارم

بدولت ایران چنانچه در تلگراف ۲۸ ژانویه اشارت یافت

اطلاع دادم که دولت ضخیمه انگلیس نظر باینکه دولت ایران مدتی

است شروط راجع بقبول تاخیر ادای قسط استهلاك قرضه ۱۹۰۳ و

۱۹۰۴ را بسکوت گذرانیده لهذا چنین می‌پندارد که پذیرفته شده‌است

بعقیده من این اقدام موجب استحکام وضع و مقام خواهد بود

( امضا ) چارلس - م - مارلینک

ملفوف نمرد ۱۰۴

مکتوب مستر مارلینک بمشیرالدوله

طهران ۲۴ فوریه ۱۹۰۸

جناب اجل عالی

اکنون فرس نشش ماه است از وقتیکه سفر دولت اعلیحضرتی

باکمال افتخار در بادداشتن حوش مورچه ۳۱ ماه اوب بوزیر امور

خارجه سابق اطلاع از شروطی دادداشت که دولت مخیمه بنا بر آن

خواستش دولت امر را برای ناخبر اتصال قسط استهلاك فرضه

۱۹۰۳ و ۴ خواهد پذیرفت -- تا بحال نه جواب یاد داشت مزبور

فرستاده شده و به دولت شاهنشاهی قسط استهلاكرا که بستی که

آوریل ۱۹۰۷ ناده شده باشد پرداخته اند .

بنا بر این باکمال افتخار بر حسب تعلما اینکه بنوسط منشی

مخصوص وزارت امور خارجه دولت مخیمه بمن داده شده بجناب

شما اطلاع میدهم ~~که~~ بواسطه رسیدن قسط استهلاك و باوجود

اطهاراتی که مکرر شفاهما در اینخصوص نموده ام و نیز بی جواب

ماید یاد داشت فوق الذکر سراسر بلیت راس لدا دولت اعلیحضرتی

بریطایا چین نصور کرده است که دولت ایران شروط مندرجه

در آن یاد داشت را بطور سکوت پذیرفته است .

نمره ۱۰۵

مکتوب مسترمارلینک بسراواردگری - ( وصول ۱۶ مارس )

آقا از طهران بتاريخ ۲۸ فوریه ۱۹۰۸

به کمال افتخار خلاصه مسموئه وقایع و حوادث یکماهه ایرانرا

بانضمام خلاصه صورتی از جلسات چهار هفته گذشته مجلس ملی لفا

ارسال میدارد

( امضا ) جارس - م - مارلینک

ملفوف نمره ۱۰۵

قسمتی از خلاصه وقایع یکماهه

طهران

مجلس ملی . - اوضاع و حالات ناگوار امور که در

خلاصه سابق راپورتش داده شده بود بهیچوجه بهبودی حاصل ننموده .

روز ۱۶ فوریه مجلس پس از مباحثات باهیجان عاقبت عزل

آصف الدوله وزیر داخله را که مورد ایرادات مختلفه واقع شده بود

رای گرفت - از جمله ایراد وارده بروی این بود که قوام الملک را

بدون تصویب مجلس اجازه داده بود بفارس مراجعت کند - کابینه

را مجددا تشکیل خواهند داد - وزارت مالیه را بصنیع الدوله تفویض

نمودند و قرار شد نظام السلطنه بامقام رئیس الوزرائی نیز وزارت داخله

را دارا باشد .

احتشام السلطنه هنوز بریاست مجلس اعتغال دارد - هیچگونه



اشکال وزحمتی متعاقب حمله وتاحتی که روز ۲۸ ژانویه به آقا سید  
عبداله آورده بود تولید نکردند زیرا مجتهد مدکور وقتی بانمطلب  
نهاده بطور بی اعتنائی گذراند .

باز مردم متوحش میباشند که شاه و درباریان مرتجع وی دوباره  
شروع باقدام خواهند نمود و در افواه شایع است که عسافرینک  
حمله پلتیکی ( کودت ) دیگری بظهور خواهد رسید ولی بالنسبه  
درطرف چهار هفته گذشته آرامی موجود بود - سعدالدوله هنوز  
درسفارتخانه هولند متوقف است .

جرائد . - جرائد طهران اتصالا مقالاتی سحر بر ضد  
سلطنت وحتی مهیج سورش بطبع میرسانند و یکی از روزنامهجات شرحی در  
تمجید قاتلین پادشاه برنقال و ولیمهدش نوشته بود و یکی دیگر از  
جرائد هفتگی بطامه فاجاریه پرداخته آنرا عیب جوئی و ملامت میکرد .  
انجمن ها باجماع سیاسی . - صورت اسامی یکصد انجمن  
برای سفارت برداشته شد که مهمترین آنها انجمن آذربایجان است  
( بریاست تقی زاده و دارای دوهزار ونهصد و شصت و دو عضو ) -  
انجمن ها اتصالا بکارهای پلتیکی می پردازند

( امضا ) سی - پی - جرجیل  
منشی نومی

بتاریخ ۲۸ فوریه ۱۹۰۸

استرآباد

قوائی که برای حکومت کسبل گردید عبارت بود از